

فصلنامه علمی فرهنگی انجمن
اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا
(س) / سال چهارم / شماره ۱۶
ویژه‌نامه زمستان ۱۴۰۰ / ۲۴ صفحه

حورا

❖ به مناسبت روز جهانی زن

- زن؛ برچسب تائید صنایع تجاری سرمایه‌داری
- زنان؛ سانسورشده‌گان معاونت زنان و سازمان ملل
- زن در کشورهای جهان سوم
- و ...



8 March

International Women's Day





اولین فصلنامه علمی- فرهنگی دانشگاه الزهرا (س)، در حوزه زنان و خانواده

شناسنامه نشریه:

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)؛
عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی دفتر تحکیم وحدت

مدیر مسئول: نرگس عابدینی
سر دبیر: نرگس عابدینی

هیئت تحریریه: نرگس عابدینی، انسیه حورا افضلی، بهاره خلجی، زهرا جوکار،
کیمیا دهنودی، الهام آقابابایی، مهدیه سادات موسوی

ویراستار: فاطمه دادرس
استاد راهنما: دکتر الهام شریعتی
صفحه آرا و طراح جلد: زهرا عظیمی

با تشکر از سرکار خانم صدری که ما را در انتشار این شماره از نشریه، همراهی کردند.

شماره تماس: ۰۹۱۰۳۷۳۶۴۲۵

📍 @havva_mag
📧 @havvamag
📍 @anjomanalzahra
📧 @anjoman_eslami_alzahra

فهرست:

سخن سردبیر
صفحه ۴

سرویس جامعه‌شناسی

زن؛ برچسب تأیید صنایع تجاری سرمایه‌داری
صفحه ۶

زنان؛ محبوس در تور نداشتن حق
صفحه ۱۰

آزادی عقیده شعارگونه
صفحه ۱۲

زنان سانسورشده‌گان معاونت زنان و سازمان ملل
صفحه ۱۴

سرویس فقهی- حقوقی

نقش سازمان ملل متحد در حل مشکلات زنان
صفحه ۱۷

سرویس فیزیولوژی

زن در کشورهای جهان سوم
صفحه ۲۱

سخن سردبیر: روز جهانی زنان غربی

ترگس عابدینی

کارشناسی مطالعات خانواده



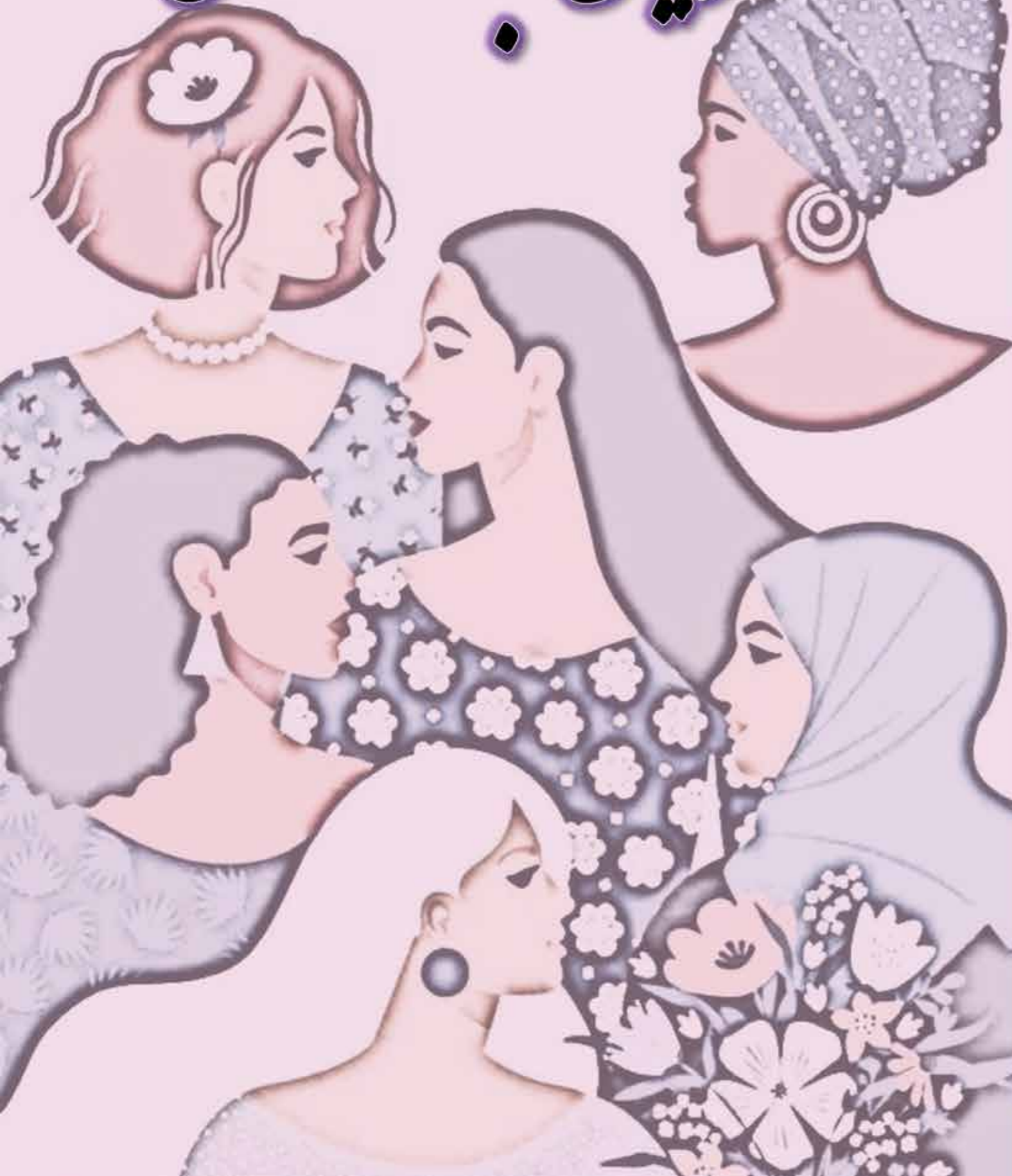
۸ مارس «روز جهانی زن» بهانه‌ای است. برای نگاه کردن به گذشته در مسیر تلاش‌ها و فعالیت‌های بیشتر، برای نگریستن در راستای حرکت‌های پیش رو برای گشودن راه در جهت شکوفایی استعدادها و فرصت‌هایی که در انتظار نسل آینده زنان است. اما چه مقدار در این روز به مسائل و مشکلات زنان آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی توجه شده است؟ زنانی که باید برای کمترین حقوق خود مانند: آزادی، حق حیات، حق برخورداری از امنیت غذایی و... با متجاوزان بیگانه بجنگند و شاهد آوارگی و مرگ فرزندان و عزیزان خود باشند. و اکنون کجایند زنان مدعی جریان‌ات گوناگون فمینیسم که دغدغه جنبش‌های صوری خود را مشکلات چنین زنانی بدانند؟ مخاطب تمامی جنبش‌ها در حمایت از حقوق زنان، تنها زنان غربی بوده‌اند. هر چند که چنین جنبش‌هایی حقیقتاً به دنبال حمایت از زنان نیستند و زمینه را برای انواع سوءاستفاده‌های سیاسی - فرهنگی و اجتماعی فراهم آورده و جز آسیب برای زن و خانواده چیز دیگری به ارمغان نیاورده است.

و اما سخن گفتن درباره تقویت نقش و جایگاه اجتماعی زنان و اولویت بخشیدن به مدیریت آن در جوامع، زمانی مفید است که زنان در فضای آرام و بدون هرگونه خشونت به امور خود بپردازند. چگونه می‌توان از مدیریت زنی صحبت کرد که محیط زندگی ناآرام و خشنی دارد؟ خشونت بر علیه زنان، پدیده‌ای جهانی است و نباید نگاهی سیاسی به آن داشت؛ اما واقعیت آن است که قدرت‌های بزرگ به ویژه کشورهای غربی

این واقعه را در جوامع خود نادیده می‌انگارند و معتقدند خشونت و بی‌عدالتی علیه زنان تنها مختص کشورهای جهان سوم است. در صورتی که بر اساس آمارهای مختلف، زنان در کشورهای آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه هم قربانی انواع خشونت‌ها هستند. سازمان ملل متحد و ارکان مختلف آن، تلاش‌های سازنده‌ای برای کمک به ارتقای جایگاه زنان در عرصه بین‌المللی کرده‌اند. برای مثال: قطعنامه ۱۸۸۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد و تأکید بر لزوم ارائه خدمات سلامت جسم و روان پس از پایان مخاصمات، یکی از اسنادی است که از رهگذر آن تلاش شده بر نقش و ظرفیت زنان در مدیریت وقایع، به ویژه جنگ‌ها اشاره شود. تأکید بر نقش زنان در احیای صلح و آرامش، از ابتکارات شورای امنیت در این سند است که به نظر می‌رسد که بر نقش و جایگاه زنان در خانواده و تأثیرگذاری آنان بر فرزندان و سایر اعضای خانواده از نظر ایجاد آرامش روانی آن تأکید شده است. شورای امنیت در این سند به صراحت از دولت‌های عضو سازمان ملل متحد می‌خواهد با مشارکت نهادهای مدنی از جمله سازمان‌های حامی زنان، در برآورده ساختن نیازهایشان از جمله سلامت روان زنان اقدام کنند. آیا سازمان ملل در پیاده سازی چنین قطع‌نامه‌هایی موفق و به دور از تبعیض عمل کرده است؟

تمام تلاش‌های بین‌المللی برای صیانت از حقوق زنان، باید در گرو پرهیز از سیاسی کاری و وضع استانداردهای دوگانه راجع به زنان و تقسیم‌بندی آن‌ها به زن غربی یا زن شرقی باشد. زنان در هر جای جهان که باشند، مورد احترام هستند و باید تبعیض، خشونت و بی‌عدالتی را از سیمای آنان زدود.

سرویس جامعه‌شناسی



زن؛ برجسب تأیید صنایع تجاری سرمایه‌داری

بررسی انواع برده‌داری نوین زنان در جهان امروزی

انسبه حورا افضلی

کارشناسی علوم تربیتی



برده‌داری و تحت مالکیت قرار گرفتن یک انسان توسط انسانی دیگر، سابقه‌ای به درازای تمدن بشری دارد. اما آنچه حائز اهمیت است، بقاء برده‌داری در عصر حاضر پس از تصویب قوانین مربوط به لغو برده‌داری می‌باشد. جهان نوین امروزی با تمام ادعای آزادی، برابری و استقلالی که دارد، نتوانسته مشکل‌گشای این مسئله باشد. برده از نظر معنا مترادف است با اسیر، زرخرد، مطیع و هواخواه افراطی. سوآلی که در این بخش مطرح می‌شود این است: که آیا بردگی، تنها به کار برای دیگران و رفتار مطیعانه اطلاق می‌گردد؟ آیا کسی که از نظر جسمی آزاد است اما روانش در بند انسان دیگری و روحش مطیع فرمان دیگری است، می‌تواند آزاد باشد؟ یک برده را در زمان قدیم از مدل لباس و نوع رفتارش می‌شناختند، که این وضع در زمان حاضر نیز صدق می‌کند. این درحالی‌ست که گفتار، رفتار و پوشش برده‌های امروزی متفاوت با دیروز بوده و به سختی قابل شناخت است. نوع جهان‌بینی افراد هر جامعه در شکل و کیفیت بسیاری از جنبه‌های محسوس و ملموس زندگی آن جامعه تأثیر دارد. جهانی که مردم می‌سازند و در آن زندگی می‌کنند، تا حد زیادی تحت تأثیر جهان‌بینی آنان است. جوامع مختلف، نسبت به این‌که چه نوع بینشی نسبت به هستی دارند- نوع معنائی که برایش قائل‌اند- ارزش‌ها- سبک و اسلوب حاضر در جامعه‌شان؛ به ساختن شهر، خانه، پوشیدن لباس و ایجاد روابط می‌پردازند. فرهنگ یک جامعه در وجوه مختلف آن تجلی می‌کند و به منزله روحی است که در کالبد تمدن آن قوم

اول بسی متفاوت است، اما یک وجه شباهت (بلندی و غیرچسپان بودن) میان لباس‌های همه آنها دیده می‌شود؛ کیمونوهای ژاپنی، ساری‌های هندی، دشداشه‌های عربی و پیراهن‌های دامن‌بلند بانوان، جای خود را به مدل‌های تنگ و کوتاه غربی داده است، درواقع نوع پوشش غربی در قرون وسطی و پس از آن مانند اقوام مستقل مانده، بلند و گشاد بوده است.

این تغییر در نوع پوشش از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ پوشش ملل برگرفته از نگرش ایشان است، رابطه مستقیمی با معنا و تعریف انسان در هر تمدن دارد. دریک تمدن مادی‌گرا که خدا حدود چهار قرن است که در کلیسا عزلت‌گزیده و معنویت در گوشه‌های خزیده باشد، انسان دیگر نمی‌تواند خلیفه خداوند بر زمین باشد. قداست و معنویت در چنین جامعه‌ای، مترادف با گوشه‌نشینی بوده و هیچ اعتباری ندارد. چنین جامعه‌ای که حقایق را تنها از علوم تجربی و مادی



قبول می‌کنند؛ متفکران آن در حاشیه‌اند و مردمانش در شب ظلمانی بی‌خدائی بسر می‌برند، چگونه می‌توانند ارزش انسانی را چیزی فراتر از ارزش‌های حیوانی بدانند؟ انسانی که مرگ را پایان جاده زندگی بداند و از دید او هیچ بهشتی او را به خود فرخواند؛ آیا می‌تواند بینشی وسیع نسبت به دنیا داشته باشد؟ مطمئناً از دید او ملاک اعتبار همه‌چیز لذت‌بخش بودن آن است؛ از چیزهایی که می‌تواند به خوبی لذت‌بخش او باشد، تن‌آدمی است. همگام با رنسانس صنعتی غربی، در هنر و ادبیات اروپا سبک اومانیسیم نیز به میان آمد که محور همه‌چیز انسان (از نوع حیوانی) قرار گرفت. زیبایی‌نگری تغییر یافته، نقاشی و مجسمه‌سازی با الگوهای عربان با هدف فهماندن این که وجود انسان همه تن است و چیزی فراتر از آن نیست به میان آمد. نقش مریم مقدس در هنر، پیش از این با نورانیت آسمانی ترسیم می‌شد و حجب و آزرمی در آن نهفته بود که حالتی ملکوتی می‌بخشید، اما در نقش‌های چهره مریم پس از رنسانس زنی‌است از سنخ زنان کوچه و بازار، که عاری از نورانیت بوده، خبری از شرم مقدس در او نیست و تمام زیبایی‌هایش، محدود به خودآرائی‌های کوچه‌بازاری گشته. در چنین جامعه‌ای دیگر زن آن مرتبه خلیفه الهی را ندارد و اگر خواهشات این تن را برآورده نکند، دیگر جایگاهی در جامعه ندارد. همه هستی او، با نگاه خریداری دیده شدن و مورد تحسین قرار گرفتن است. اگر دکارت چهارصد سال پیش می‌گفت: می‌اندیشم؛ پس هستم! زن در جامعه غربی ناچارست که بگوید: دیده می‌شوم؛ پس هستم! زن، شیئی‌ست که دائماً در دو کفه ترازوی چشمان مرد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای لباس، دیگر وسیله پوشش، حافظ وقار و محافظ در برابر آفات نیست؛ دیگر همه آن در خدمت تن است، وظیفه‌اش در چنین جامعه‌ای که زن جایگاه والای انسانی خود را از دست داده، نمایش جسمانی‌است؛ به این امید که بتواند او را در حد و مقام دیده شدن و مورد تحسین قرار

گرفتن برساند، لباس دیگر خانه تن نیست بلکه پوست دوم است؛ باید تنگ باشد تا همچون لعاب نازکی روی جسم او کشیده شده و محوکننده خصوصیات جسمانی او نباشد، بعضی از اعضایش را در قاب و بعضی را در قالب بگیرد. دیگر حرفی از معنویت و ملکوتی بودن زن در میان نبوده و روانشناسان جنسی و مبتکران عرصه مد و تعیین‌کننده مدل لباس، پیوسته در حال ایجاد تناسب میان برهنگی و پوشیدگی‌اند تا حداکثر جاذبه در این جنس و اشتیاق در جنس مخالف به‌راه اندازند. علاوه بر آن، نظام اقتصادی سرمایه‌داری، زن را وسیله‌ای برای رونق بازار خود قرار داده است. در این نظام که مبنای آن «تکثیر» است، از همه قوا و امکانات جهان و همه نیروها و غرایز انسان استفاده می‌کند تا بازار تولید و مصرف را داغ‌ترسازد. و «جنسیت» که نیروی طبیعی انسانی است، در استخدام این نظام فزونی طلب و حریص قرار می‌گیرد؛ این‌جاست که اختلاف جنس زن و مرد که در فرهنگ‌های معنوی، نشانه لطف و حکمت الهی است، مایه گرمی بازار و رونق دکان اقتصاد سرمایه‌داری غربی می‌شود. آن‌چه در فرهنگ معنوی اسلامی مایه آرامش و سکوت دانسته شده است؛ در دست انسان دور از معنویت، وسیله‌ای برای برافروختن هرچه بیشتر تنورخواهش می‌شود. زن در این جامعه محکوم چنین نظام اقتصادی است؛ از انسانیت او فقط جسم است و تن، باید مصرف کننده و مصرف شونده باشد و این «بایدها» است که شکل لباس او را تعیین می‌کند. زن در این جامعه محکوم چنین نظام اقتصادی است، زن مظلوم‌ترین قربانی سرمایه‌داری غرب و در عین حال برنده‌ترین سلاح دست همین سرمایه‌داری است. زن تبدیل به برچسپی برای به فروش رساندن کالای تجاری و مهر تأیید صحت امور اجتماعی و سیاسی گشته است.

اراده انسان برای خواستن، حد و مرزی نمی‌شناسد و انسان، بی‌نهایت‌طلب است. این واقعیتی است که هم مادی مسلکان و هم

معنوی‌مذهبان، آن‌را تصدیق کرده‌اند. اقتصاد افزون‌طلب غرب، این اراده بی‌نهایت‌طلب انسان را، در مسیر مصرف به خدمت خود می‌گیرد؛ سوار بر انسان شده، بر اسب غریزه جنسی او تازیانه می‌زند و هر زمان بر سرعت این حیوان می‌افزاید. در این نظام وجود زن، در جسم او منحصر دانسته شد و چون طعمه‌ای برای گرمی بازار سرمایه برگزیده شده است؛ در مسلخ پول قربانی شده و نیازهای عاطفی‌اش نادیده گرفته شده‌است. عشق، آن لطیفه معنوی، که آکنده از راز و رمز بود، جای خود را به «هوی و هوس» داد و در خدمت اقتصاد قرار گرفت و زاینده هزارصنعت تولید و گرداننده هزار بازار مصرف گردید. تبلیغات نیز طبق معمول، راه را برای کاروان شتاب‌آلود شهوت باز کرد. هنرچنان به شهوات جسمانی آلوده شد که یاران، همه عشق‌را فراموش کردند و از یاد بردند که روزگاری، هنر دریچه گشوده‌ای به سوی عالم معنی و حقیقت بوده.

هنر که ترجمان عالم «معنی» بود، اکنون آینه دنیای صورت شده و هنر هفتم؛ سینما، آینه تمام‌نمای ابتذال گشت و سرمایه‌داران غرب، سینما را آن‌چنان با شهوت و هوای نفسانی پیوند دادند که گوئی خاصیت طبیعی دوربین‌های فیلمبرداری این است که بجز این‌گونه مناظر، چیزی از خود عبور نمی‌دهد. اکنون در غرب، برهنگی و عریانی به‌جای زیبایی نشسته، و ابتذال و تحریک جنسی «هنر» نام گرفته است. دریغ که در تمدنی که به تمامی تمدن‌های جهان به چشم تحقیر می‌نگرد، زن به‌صورت حیوانی درآمدی است که می‌توان از جنسیت او، بی‌هیچ قید و بندی کام‌جست. مردان به‌سان حیواناتی شده‌اند که افسارشان به‌دست شهوت افتاده و به‌دنبال زنان جذاب کشان‌کشان می‌روند؛ کار به جایی می‌رسد که زندگی زن بسته به نگاه مرد است، مرد نیز برای آن زنده است که زن را نگاه کند و از «نگاه» تا «گناه» راهی نیست، که «نگاه» در حقیقت همان «گناه» است.

طعام شاهانه نیست؛ او را انسان شمردن و بهر او ارزش قائل شدن است.



دست کم یک‌سوم مجلات میزهای روزنامه‌فروشان غربی، «چشم‌نامه» است، تیراژ این مجلات، از همه نشریات دیگر بیشتر و درآمد آن افزون‌تر است. نقاشی، موسیقی، سینما، تئاتر، مجله، کتاب، عکس و پوستر، همگی، زن را به «بازار» می‌کشاند. دورشته عظیم اقتصادی دیگر برای غارتگری، بر زن چشم دوخته‌اند؛ سازندگان لوازم آرایش و طراحان مد، که اگر قرار باشد فرهنگ معنوی به جای تمدن مادی بنشیند و زن دیگر شخصیت خود را به چهره و جسم خود نداند، تکلیف صاحبان این صنایع عظیم چه خواهد شد؟ زن غربی و غرب زده، نه تنها باید لباسی بپوشد که بدن‌نما و بدن‌پرداز باشد، بلکه باید دائماً لباس خود را به بهانه مد عوض کند؛ تا بازار مدسازان و صنایع نساجی داغ بماند، اگر لباس وسیله خودنمایی نباشد، دیگرچه چیز چرخ این صنایع را به‌چرخش درخواهد آورد؟ و فاجعه‌آمیزتر از همه، این‌که زن نه تنها وسیله‌ای برای مصرف شدن و مصرف کردن خود می‌شود، بلکه وسیله‌ای برای مصرف هرچه بیشتر، هرچیز دیگر می‌شود. همه فروشندگان در فروشگاه‌های بزرگ باید از میان زنان جوان انتخاب شوند حتی در تبلیغات انتخاباتی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تمدن غربی ظالمانه برگردن زنان پای نهاده و نیازهایش را نادیده گرفته است و توانسته به‌خوبی طی این سال‌ها خود را پشت جریانات فمینیستی قرار دهد، دختران را به ظاهر مانند پسران تربیت کند و به اسم برابری آنها را به کالائی قابل عرضه و برده‌ای مطیع تبدیل کند. غرب، برای کامل نمودن بانوان از کودکی آنان را به‌سان مردان تربیت می‌کنند؛ که این خود به معنای نقص قائل شدن برای جایگاه راستین زنان است. درواقع هرچقدر تلاش صورت بگیرد؛ نمی‌توان تفاوت‌های فزیولوژیک زن و مرد را انکار نمود. اما باور بر این است که از نظر جایگاه انسانی در پیش‌گاه خدای سبحان با تمامی انسان‌ها برابراند. نیازهای زنان از دید اسلام منحصر به پوشاک زیبا، مسکن مجلل و

کنند. در واقع این زنان تمام خطرهای را به جان خریدند تا حتی قدمی در مسیر پیشرفت گمارند. خانم کبری نوذری یکی از این زنان است. او نخستین زنی بود که متصدی منصب وزارت در افغانستان شد. آموزش عالی‌اش را در رشته ساینس کابل گذراند و در فرانسه هم دیگر تحصیلاتش را تکمیل کرد. در واقع این زن، نمونه خوبی برای زن با تحصیلات عالی و هوش و ذکاوت سرشار بود که با تصدی منصب وزارت، به خوبی توانست به آنچه که شایسته‌اش بود دست یابد. در واقع زنانی که تحصیلات و ذکاوت را با هم دارند می‌بایست عهده‌دار انجام چنین امور مهمی شوند تا جامعه روح لطیف زنانه را به همراه قدرتمندی‌های آن حس کند.

شاید تحت تأثیر افکار پوسیده‌ای، چنین تلقین شود که زنان مناسب چنین اموری نیستند البته که غلط بودن این پندار با خواندن سرگذشت چنین زنانی هویدا می‌شود. از دیگر زنان موفق در افغانستان می‌توان به خانم نیلوفر رحمانی اشاره کرد، که با جسارت و توانایی خود توانست وارد دوره‌های هوایی در افغانستان شود و متصدی شغل جذاب و البته خطیر خلبانی شود. با نیم‌نگاهی به تاریخ افغانستان در می‌یابیم که زنانی که در برابر تمام تندبادهای زن ستیز مقاومت کرده‌اند کم نیستند، راهشان پر رهرو باد. اما زنانی هم که تن به غبار و زنگار داده‌اند و امواج ضد زن را قبول کرده‌اند هم کم نیستند. زنانی که این روزها به نان شب خود محتاج‌اند، زنانی که تلاشی برای بهبود احوال خود نکردند ...

به راستی که برای نابودی یک جامعه، فرهنگ و تمدن آن می‌بایست زنان آن را نشانه گرفت تا از این طریق بتوان به ویرانی خانه و خانواده و جامعه پرداخت ...

دارد. جدا از هر مسلک و مذهبی، سرشت پاک انسان که از سمت خدا آمده هیچ گونه تبعیضی را روا نمی‌دارد و این عمل خلاف اصل و ریشه آدمی است. میزان خشونت، بی‌رحمی، محرومیت و تبعیض‌هایی که نسبت به این جنس لطیف روا داشته شده، همواره و در تمام کشورهای جهان روبه رشد بوده. در این میان کشور افغانستان مستثنی نیست، چه بسا بیش از سایر کشورها با این معضل دست و پنجه نرم کند. با وجود اینکه خشونت علیه زنان محکوم اعلام، و تبعیض‌ها ناروا دانسته شده اما همچنان در این کشور شاهد چنین اتفاقات ناگواری هستیم و یکی از دلایل آن می‌تواند ضعف سیستم آموزشی و سنت‌های کهن و پوسیده‌ای که مانع از رشد و تکامل زنان می‌شود، باشد.

چیزی که شاید تصور آن برای همگان سخت باشد این است که طالبان قفس آهنینی را برای زنان افغان به وجود آورده. در این قفس، شاید فقط برای نفس کشیدن مجالی باشد. از زمان به قدرت رسیدن طالبان در این کشور، تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با مشکل مواجه شده‌اند و زنان که قلب جامعه‌اند از تمام این رویدادهای ناگوار نمانده‌اند. نا پدید شدن کارمندان زن، گشتن و جست‌وجوی خانه‌ها، سرکوب و حتی قتل آنها تنها گوشه‌ای از جنایات این رژیم علیه زنان است. البته زنان افغانستان در گذشته نیز به دلیل سنت‌های مردسالارانه‌ای که در بطن جامعه‌شان رخنه کرده بود، همواره مورد تبعیض قرار گرفته و از پیشرفت و حق تحصیل و حق کار برابر مردان برخوردار نبوده‌اند. این روزها نیز طالبان با وارد ساختن ضربه‌ها به خانه داری و خانه‌نشینی روی دیگری از چهره پلید خود را به نمایش می‌گذارد و البته کم نیستند زنانی که با وجود تمام سختی‌ها و مشکلاتی که در این مسیر برایشان وجود داشت قنوس وار از ی جسمی و روحی به آنان، مجبور کردن آنان میان تمام تیرگی‌ها برخاسته‌اند و با تلاش و کوشش خود سعی داشته‌اند که این راه ناهموار را کمی هموار



International Women's Day



زنان؛ محبوس در تور نداشتن حق

علیه زنان نیز به وجود آمده که یک سند بین‌المللی است و در سال ۱۹۷۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است که تقریباً همه کشورهای جهان عضو آن هستند. در واقع هدف این کنوانسیون این است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم هر گونه تبعیض علیه زنان را که مغایر اصل برابری انسان‌هاست را از بین ببرد. تبعیض هم به معنای لغوی این معنا را می‌رساند که هر نوع اعمال امتیاز و رجحان و برتری در کلیه حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... که خلاف برابری زن و مرد است. واژه «تبعیض» گرچه یک کلمه کوتاه و مختصر است اما در بطن و درون خود عبارات بسیاری را پنهان

بهاره خلجی



کارشناسی رشته حقوق

هشتم مارس هر سال «روز جهانی زن» است. این روز، در سر تا سر کشورهای جهان از سمت زنان و البته مردانی که طالب برابری‌اند به رسمیت شناخته می‌شود و برای حفظ و توسعه حقوق زنان برنامه‌های مختلفی از جمله: راهپیمایی، جشن و مهمانی‌هایی برگزار می‌شود. از سمت سازمان ملل متحد گردهمایی برگزار می‌شود که به مهم‌ترین مسائل مربوط به زنان می‌پردازد. در این میان کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض

آزادی عقیده‌ی شعارگونه

بررسی عدم سیطره اقدامات
سازمان ملل در آزادی عقاید



زهرا جوکار
کارشناسی مطالعات خانواده

آزادی عقیده، آزادی انتخاب هر نوع فکر و باوری است که انسان آن را حقیقت می‌پندارد، بدون آنکه با نگرانی یا تجاوزی از سوی دیگران مواجه شود. عقیده در اسلام آزاد است، منتهی این آزادی عقیده را باید معنا کنیم.

سوال اصلی این است که آزادی یعنی چه؟

آزادی عقیده به این معنا نیست که اسلام اجازه دهد انسان‌ها از عقیده‌ی حق، یا از بینش درست منحرف بشوند و یک اعتقاد غلط و نادرست را در قلب و فکر خود بپذیرند. آزادی عقیده در اسلام، مبتنی بر دو اصل آزادی انتخاب دین و آزادی تفکر و عقل است و از آنجا که در اسلام تنها ملاک برتری تقواست، نتیجه می‌گیریم که تفاوتی در اصل آزادی وجود ندارد، مگر در چهارچوب حد و مرز مشخص شده‌ای که هویت ساز و نقش دهنده است. البته طبیعی‌ست که آزادی اندیشه به معنای طرح هر گونه اندیشه، فکرو عقیده بدون محدودیت و قید و شرط نبوده؛ زیرا چنین آزادی به تشویش افکار عمومی جامعه و به هم خوردن بنیان‌ها و چارچوب‌های فکری جامعه خواهد انجامید و هیچ عقل و منطقی اجازه چنین کاری را نخواهد داد. آیا منطقی است که به بهانه آزادی اندیشه، اجازه داد هر گونه فکر و اندیشه، بدون هیچ محدودیتی در سطح جامعه مطرح شود و زیر بناهای اعتقادی و فرهنگی جامعه را به هم بریزد و افکار و اندیشه‌های توده مردم و جوانان را تخریب نماید؟ کدام نظام سیاسی اجازه چنین کاری را خواهد داد؟! حتی در کشورهایی که مدعی دموکراسی و آزادی هستند، اجازه داده نمی‌شود که بنیان‌های فکری آن‌ها به چالش کشیده شود.

در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد و بدین ترتیب، استاندارد جدیدی از اصول اخلاقی را برای پیروی کشورها تعیین کرد. بر اساس ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر «هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا

جهان، دختران خود را از حضور در اجتماع منع کرده و به آنها حق تحصیل یا اشتغال نمی‌دهند و سرنوشت از پیش تعیین شده‌ی آنها را ازدواج و فرزندآوری می‌دانند)

تحول اسلام هراسی به اسلام‌ستیزی که در واقع نتیجه مباحث فرهنگی و هویتی بر اساس نظریه هراس اخلاقی بوده و بیشترین واکنش‌های خشونت‌آمیز علیه مسلمانان را داشته است، در مورد زنان محجبه و مسلمان رخ می‌دهد که از روبنده و چادر استفاده می‌کنند. این نشانه‌ها (حجاب) در واقع، شاخص نسبی مسلمان بودن در سراسر اروپا و دنیا است. زنان مسلمان تقریباً نقشی در اقدامات تروریستی و افراطی مسلمانان تندرو در کشورهای مختلف و تحول اسلام هراسی به اسلام‌ستیزی در ادامه آن را نداشته‌اند و در هیچ کدام از این اقدامات سهیم نبوده‌اند.

عقیده و نیز اظهار عقیده و ایمان و همچنین شامل تعلیمات و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا اجتماعاً و به‌طور کلی، خصوصی یا عمومی برخوردار شود». تاکید این اصل بر آن است که مردمی که در مناطق مختلف دنیا متولد می‌شوند دارای هویت فرهنگی و مذهبی متفاوت هستند و پذیرش و احترام به هر دین و آیینی یک وظیفه انسانی است.

با توجه به تمام این تفاسیر چرا ما شاهد اهانت، مخالفت و برخی قوانین محدود کننده در سراسر دنیا هستیم؟ برای مثال: دولت ایالت "کارناتاكا" که در دست حزب هندوهای افراطی ((BJP) است، ورود دانش آموزان و دانشجویان مسلمان با حجاب اسلامی در مراکز آموزشی در این ایالت را ممنوع اعلام کرده.

ممنوع شدن حجاب برای دختران مسلمان مخالفت آشکار با قانون اساسی هند است. در میان این بهبوهه، دختر دانشجوی مسلمانانی با شجاعت از حجاب خود مقابل جمع زیادی از هندوهای افراطی و اسلام هراس در دانش‌سرای دولتی هند، دفاع می‌کند که این نشان دهنده عزت نفس و استقامت باورهای زنان مسلمان است.

این مسئله را می‌توان از جنبه‌های مختلفی بررسی کرد:

– زنان مسلمان در موقعیت‌های سیاسی، تجاری، تحصیلی و فرهنگی به موقعیت‌های بالایی در جامعه خود رسیده‌اند و این روند همچنان رو به پیشرفت است. غرب از بیم گسترش تفکر اسلامی و گفتمان‌های دینی در میان کشورها، اقداماتی همچون مبارزه با مظاهر اسلامی چون حجاب زنان مسلمان را بر مبنای دکترین "اقدام پیش‌دستانه" تدوین کرده است.

– وجود برخی اندیشه‌ها و هنجارها و رسوم اشتباه که در میان مسلمانان، معمولاً افراط‌گرایان وجود دارد. (بسیاری از اقوام در سرار



به طور کلی اسلام به زن، آزادی در چهارچوب عقلانی عطا می‌کند اما امروزه به دلایل مختلف درونی، سیاسی، فرهنگی، تهاجمی و ... شاهد برخی اقدامات ضد طبیعت و فطرت اسلامی و حقوق انسانی هستیم.

زنان؛ سانسورشدگان معاونت زنان و سازمان ملل



کیما دهنودی
کارشناس روان‌شناسی

پورتمن، با بنیامین نتانیاهو شده است. نه آن زمان و نه حالا نفهمیدیم این مورد چطور می‌توانست ضرورت معاونت امور زنان و خانواده در ایران باشد.

همانطور که مطالعه کردید وجود سازمان مربوط به امور زنان یا امور زنان و خانواده در ایران بدون داشتن شرح وظایف مشخص درست همانند نداشتن آن است. امیدوارم رئیس‌جمهور ایران به زودی تصمیم بگیرند یا این سازمان وجود نداشته باشد و هزینه دولت کاهش یابد یا اگر وجود دارد صحیح، کامل، کارآمد و با قوانین دقیق وجود داشته باشد. تنها زمانیکه این سازمان مانند تمام بخش‌های دولت الزام به بیان برنامه خود داشته باشد می‌توان بدان امید داشت. خلاصه آنکه بهتر است اول ظرف شکسته را بند زنیم و بعد بیاندیشیم به آنچه درون آن میریزیم.

اما بپردازیم به سازمان ملل متحد و فعالیت‌های آن در امور زنان. در گذشته‌ی نزدیک نام زنان و سازمان ملل در ذهن همه‌ی ما چهره‌ی سلبریتی‌های مهربان هالیوودی را تداعی می‌کند

زمانی که سخن از رابطه‌ی معاونت امور زنان و خانواده‌ی ایران با دبیر سازمان ملل متحد به میان می‌آید نخست باید واکاوی کوتاهی مربوط به هر کدام از دو سر این رابطه داشته باشیم.

در تابستان ۱۳۸۴ سازمانی مخصوص امور زنان، زیر مجموعه‌ی دولت هشتم با نام مرکز مشارکت امور زنان در ایران شکل گرفت. در دولت نهم نام این مجموعه به مرکز امور زنان و خانواده تغییر کرد. متأسفانه همین تغییر نام کمک کرد سازمانی که بودجه‌ی مشخصی نداشت حالا دیگر حتی شرح وظایف و هدف مشخصی هم نداشته باشد. انگار این تغییر نام علتی شد برای تصمیم‌گیری سلیقه‌ای در این سازمان.

از تعریف نشدن یک برنامه‌ی کاری مشخص و شرح وظایف دقیق همین بس که خلاصه‌ی فعالیت معاون زنان در ایران بررسی‌ی مشاخره‌ی اینستاگرمی بازیگر یهودی آمریکایی، ناتالی.

بهتر است کمی بحث آماری را به میان بیاوریم تا ببینیم کجای کار هستیم. در ایران کشوری که اسلام بخش مهمی از فرهنگ آن است، ۷۰ درصد تحصیل کرده‌های دانشگاهی زنان هستند در حالی که این رقم در آمریکا ۵۹.۵ درصد و در ژاپن ۵۶.۸ درصد است. بله من هم به همان چیزی فکر می‌کنم که اکنون از ذهن شما می‌گذرد

آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم

یار در خانه و ما و گرد جهان می‌گردیم

سوال این است که آیا در سازمان ملل زنی به استواری زنان ایرانی وجود دارد که بخواهد ما را یاری دهد. یاری در چه؟ یا این سازمان مللی که تصویر زنان بیچاره را به ما تلقین کرده است خودش چه کاربردی در این سالها داشته است؟

مثلی ایرانی می‌گوید: خوب اگر کار کردی پس کو دمبه ات. سوال من این است که کو دمبه‌ی سازمان ملل؟ آیا نسبت به ۲۰ سال پیش زنان راحت تر می‌توانند ساعت دوازده‌ته، ده شب، به خانه برگردند. سازمان مللی که در مقابل گسترش پورن به عنوان سرچشمه‌ی مشکلات اخلاقی قرن ۲۱ سکوت کرده و کرنای خبریش فقط تمرکز کرده روی شال آنجلینا جولی.

در زمینه توانمندسازی زنان نیز باید گفت اگر زنانی که جلوی لنز هزار دوربین آب معدنی به دستشان می‌دهند، شرایط جامعه و فرهنگ برایشان امن تر بود چه نیاز داشتند به یک آب معدنی. اصلاً اگر سازمان ملل قرار بود کاری کند برای این زنان چرا نکرده و نمی‌کند. چرا هر روز تعداد این شیوه‌ی زندگی بیشتر می‌شود؟

شیوه‌ی زندگی و راهکاری که به تازگی در ایران هم مد شده است. افرادی که تا به امروز با آبرو زیسته‌اند را جلوی دوربین می‌آورند و با منت یک سبد کالا به آنها می‌دهند. زنی که باید فرش بیاورد، به قیمت بفروشد و فرشش بشود زینت دنیا؛ قیمت فرشش را پایین می‌آورند و بعد سبد

کالا به او می‌دهند. فکر می‌کنم تا الان بر شما واضح گشته باشد که اوضاع زنان خوب نمی‌شود مگر اوضاع جامعه خوب شود. البته نکته‌ی مهمتری که باید در این مقاله بررسی شود این است که چرا دو سازمانی که وظیفه داشتند با همکاری هم عامل شکوفایی زنان، خانواده و در نتیجه کل جامعه باشند؛ هیچ رد پای مثبتی چه به صورت اشتراکی و چه تکی در اتفاقات مثبت ایران از آنها دیده نمی‌شود.

متأسفانه تا اینجا کار که در عمل نتیجه معاونت زنان در دولت‌های پیشین با نتیجه‌ی اقدامات سازمان ملل مشابه بوده و همانطور که بیان شد هیچکدام به دغدغه‌های حقیقی زنان ایرانی نپرداختند. هیچکدام از این دو اقدام واقعی برای استقلال مالی زنان انجام ندادند. هیچکدام بیان نکردند که خانواده چند همسری بنیان عاطفی را از هم می‌پاشد و دیگر خانواده نیست. هیچکدام تلاش نکردند به مادران ایرانی اطمینان بدهند که وقتی سرمایه‌ی عمرشان میشود فرزندان‌شان نباید نگران باشند هر آن ممکن است خانه و زندگیشان از هم بپاشد و بدون هیچ پول و حرفه‌ای بمانند. حتی در مورد هم‌زبانان افغانمان، زنانی که پا به پای زنان و مردان ایرانی برای این جامعه تلاش کرده‌اند هیچ اقدام موثری رخ نداد. توقع می‌رفت دست کم زنان افغان از شرایط کاری امن تری در ایران برخوردار باشند اما در دوره‌ی پیشین فقط در پست‌های اینستاگرمی خانم معاون بیان می‌شد که اوضاع بهبود می‌یابد. هیچوقت نیافت.

امیدوارم از امروز به بعد به جای مشاخره‌ها و خودنمایی‌های اینستاگرمی واقعا فکری برای امنیت شغلی زنان در ایران گردد و همچنین شاهد امنیت مفهوم خانواده در ایران باشیم. تا به الان زنان ایرانی هیچوقت چشم انتظار کمک چشم‌آبی‌ها نبوده‌اند اما این انتظار بی‌جایی نیست که از آنانی که با رای خودشان انتخاب شده‌اند بخواهند اوضاع امنیت مالی و اخلاقی در ایران را بهبود دهند.



نقش سازمان ملل متحد در حل مشکلات زنان

الهام آقابابایی



کارشناسی ارشد حقوق عمومی

پیدایش سیستم پدرشاهی، حقوق زنان به حدی بالا بود که اکثر الهه‌ها و حتی خدای بزرگ عیلام، مونث بودند و برای مادر، احترام بسیار زیادی قائل بودند، برای اهانت به زنان مجازاتی سنگین وضع می‌کردند و سیستم انتقال قدرت، سیستم مادرشاهی بود. در ایران عصر هخامنشیان نیز، زنان از وضعیت خوبی برخوردار بودند و حتی می‌توانستند به مقام‌های والا مثل فرمان‌دهی نیروی دریایی برسند و از حق تعلیم و تعلم برخوردار بودند. و از روی فیش‌های حقوقی بجا مانده از دوران هخامنشی می‌توان فهمید که برای زنان شاغل، مرخصی‌های گوناگون و با دستمزد پیش‌بینی شده بود و هنگام زایمان به زنان علاوه بر دستمزد پاداش هم تعلق می‌گرفت. ولی در جوامع دیگر مانند عربستان، زنان حتی از ابتدایی‌ترین حقوق هم محروم بودند و به آن‌ها به چشم ابزار نگاه می‌شد به حدی که از به دنیا آمدن دختر شرمگین شده و آرزوی مرگ زودتر او را داشتند.

متأسفانه در یونان باستان، زنان شهروند محسوب نمی‌شدند و حق رأی نداشتند. و البته این مسئله‌ی حق رأی تا مدت‌ها ادامه پیدا کرد. تا اینکه منجر به بروز جنبش‌هایی برای بهبود وضعیت زنان شد و در نتیجه‌ی آن، تا حدودی اوضاع زنان ترقی کرد. و البته در برخی موارد، باعث پدید آمدن نهضت «فمینیسم» شد که این فمینیسم هم بخاطر دیدگاه افراط‌گرایانه نسبت به زنان، اصلاً مناسب و ایده‌آل نیست.

یکی دیگر از عواملی که در بروز مشکلات زنان نقش بسیار موثری دارد؛ دین و برداشت‌های نادرستی است که از آن صورت می‌گیرد. به عنوان مثال: می‌توان در ابتدا به دین یهود اشاره کرد که تحریف شده. یهودی‌ها معتقد هستند که دین از طریق مادر منتقل می‌شود اما در عین حال برای

از ابتدای خلقت تا به امروز، زندگی هیچ بشری کامل و به دور از دغدغه و مشکل نبوده و نخواهد بود. با شروع یکجانشینی و تشکیل جوامع، مشکلات بشر نیز اشکالی گوناگون پیدا کرد و متأسفانه تفکرات جاهلانه هم به این مسئله دامن زدند. از جمله عوامل بروز مشکلات برای انسان‌ها از قدیم الایام تا کنون (که البته امروزه مشکل‌ساز دانستن آنها امری اشتباه است) می‌توان به: سن، نژاد، زبان رنگ پوست، ملیت، مذهب و جنسیت اشاره کرد. همان‌طور که همه می‌دانیم خداوند از هر موجودی از جمله انسان، یک نر و یک ماده آفریده است که وجود هر کدام از این‌ها (نر و ماده) برای تولید مثل و ادامه حیات ضروری است. انسان هم از این قاعده مستثنی نیست؛ یعنی وجود زن و مرد برای ادامه‌ی نسل بشر و رسیدن به کمال، واجب و ضروری است. متأسفانه در اکثر کشورها و جوامع چه در دوران باستان و چه در دوران معاصر، زنان بخاطر زن بودنشان در معرض مشکلات بیشتری قرار داشته‌اند که در ادامه به آنها اشاره کرده و نقش نهادهایی مانند سازمان ملل را در حل این معضلات بیان خواهیم کرد.

تاریخچه و عوامل مشکلات بانوان

همان‌طور که در مقدمه اشاره کردیم، مشکلات زنان محدود به دوره‌ای خاص نیست و در تمامی اعصار وجود داشته است؛ البته گفتن این مسئله هم خالی از لطف نیست که در برخی از جوامع باستانی مانند تمدن عیلام و ایران در زمان هخامنشیان، زنان از حقوق بسیار بالایی برخوردار بوده‌اند. در عیلام، قبل از بروز تفکر مردسالاری و

سرویس قضایی - حقوقی



زنان جایگاه خوبی قائل نیستند و بسیار سخت‌گیرانه عمل می‌کنند. برای اثبات این ادعا، می‌توان به قضیه حضرت مریم(س) اشاره کرد که زنان حتی حق ورود به معبد را نداشتند و تصورشان از بنی اسرائیل، معنای ظاهری آن یعنی پسران اسرائیل بود و در مسئله ی ازدواج معتقد بودند که پدر، دخترش را در قبال مبلغی معین به شوهر می‌فروشد. از این مسائل مشخص است که نگاهی ایزاری به زن داشته و دارند و به دلیل این دیدگاه، حقوق انسانی قابل توجهی برای زنان قائل نیستند و این مسئله نیز برای زنان ایجاد مشکل کرده است. دین مسیحیت نیز از تحریف مصون نمانده است و با جود اینکه حقوق زنان را بطور کامل به رسمیت نشناخته و اجرایی نمی‌کند، اما به وخامت دین یهود هم نیست. پس زنان مسیحی درمقابل زنان یهودی، به مشکلات کمتری برمی‌خورند.

دین اسلام کامل‌ترین دین و همچنین تحریف نشده است. از نظر دین اسلام، زنان و مردان به لحاظ انسان بودن دارای حقوق مساوی هستند و هر کس که به حقوق آنها تعدی و تجاوز کند مرتکب گناهی بزرگ شده است. اما در نهایت تاسف از آیه ((الرجال قوامون علی النساء)) برداشتها و تفاسیر بسیار نادرستی صورت گرفته و سرپرست بودن مردان را برای آنان یک حق و مزیت تلقی می‌کنند و باز هم در عمل، همان دید جاهلانه که زنان از مردان پست تر هستند رواج پیدا می‌کند، در حالی که این سرپرستی یک وظیفه است نه امتیاز و وظیفه، مایه برتری و مباحثات نیست.

در بسیاری از جوامع اسلامی مثل عربستان و افغانستان، شاهد این قضایا هستیم که به این بهانه که چون مردان سرپرست زنان هستند پس از آنان برترند و ابتدایی‌ترین حقوقی که هر زن به عنوان یک انسان باید تمام و کمال از آن بهره برد زیر سوال رفته است. سال‌ها قبل در عربستان زنان نمی‌توانستند جلوی ماشین بنشینند و باید عقب ماشین و تنها در صورتی که شیشه پشت

پشت ماشین دودی باشد بنشینند. اجازه‌ی رانندگی هم که اخیراً به زنان داده شده و آموزشش به این صورت است که زنان نمی‌توانند داخل ماشین و بطور فیزیکی در کنار یک مربی تعلیم ببینند، بلکه در یک کلاس شبیه‌ساز تعلیم می‌بینند. در افغانستان نیز که امروزه شاهد مشکلات بسیار زیاد زنان در آن هستیم، علناً زنان هیچ حقی ندارند. بدون شوهر یا یک مرد محرم هم نمی‌توانند از منزل خود خارج شوند، نمی‌توانند بلند بخندند، حق پوشیدن کفش پاشنه بلند ندارند و بسیاری از موارد دیگری که منجر که به افزایش خشونت علیه زنان می‌شود. نهادهای بین‌المللی، از جمله سازمان ملل در این زمینه اقداماتی انجام داده‌اند.



اقدامات سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین و موثرترین نهاد در عرصه ی بین‌الملل در این زمینه، معاهداتی را به تصویب رسانده است.

اولین و اصلی‌ترین معاهده «منشور» ملل متحد است که در مقدمه آن به صراحت به تساوی حقوق زن و مرد اشاره شده است. در ماده ۸ نیز به تساوی زنان و مردان برای تصدی مشاغل مناسب، سخن به میان آمده است. البته خلأهایی نیز وجود دارد که برای جبران آنها به زمان زیادی نیاز است. برای جلوگیری از اطاله کلام به مهم‌ترین معاهدات و کنوانسیون‌های حقوق زنان خواهیم پرداخت. کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ به رفع مسائل مورد تبعیض

بین زنان و مردان اشاره دارد.

می‌توان به میثاق حقوق مدنی، سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز اشاره کرد. براساس ماده ۲ میثاق حقوق مدنی همه ی دولت‌های عضو، موظف هستند که حقوق مردان و زنان را بطور مساوی به رسمیت بشناسند و همه ی اقدامات قانونی و اجرایی لازم، برای تحقق حقوق مطرح شده در این سند را به انجام برسانند.

میثاق حقوق اقتصادی، همه دولت‌های عضو را به تساوی حقوق زنان و مردان در بهره‌وری از حقوق اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ملزم کرده است. مفاد ۶ تا ۱۳ میثاق فوق ذکر حقوق مدنظر را مشخص کرده است.

در مقدمه و بخش‌هایی از متن اصلی به مشکلات بانوان اشاره کردیم. و در ادامه به اقدامات سازمان ملل متحد در خصوص تدوین و تصویب معاهدات و کنوانسیون‌هایی برای تضمین حقوق بانوان اشاره کردیم. درست است که این معاهدات و کنوانسیون‌ها تا حد زیادی در ارتقای حقوق و وضعیت زنان موثر بوده است اما در عمل، در اکثر مواقع شاهد هستیم که مشکلات زنان به صورت قابل توجهی زیاد است و به آنها اجازه‌ی اعتراض داده نمی‌شود و اگر هم بتوانند اعتراض کنند متأسفانه هیچ نهادی صدای آنها را نمی‌شنود. و قدرت‌ها روی اعتراض آنها سرپوش می‌گذارند. امید است که سازمان ملل متحد بطور موثرتری عمل کند و برای نقض حقوق زنان، ضمانت اجرایی جزایی و محکمی وضع کند.

زن در کشورهای جهان سوم

مهدیه سادات موسوی
کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی



... مجبورند در سنین پایین ازدواج کنند، زود بچه‌دار شوند و در نتیجه کمتر از سواد، آموزش و اشتغال بهره‌مند می‌شوند. در کشورهای کمتر توسعه یافته، بارداری بیش از ۲۵۰ میلیون از زنان اصولاً بدون برنامه بوده و به شکل نامطلوب به پایان می‌رسد، زنان چین، هنگ‌کنگ، سنگاپور و کره جنوبی با استفاده از وسایل کنترل موالید، تنظیم خانواده را رعایت نموده و اغلب ۱ تا ۳ فرزند به دنیا می‌آورند و در سنین پایین هم ازدواج نمی‌کنند. ولی در کشورهای جهان سوم که به لحاظ سواد عقب‌مانده هستند، زنان علاوه بر تحمل مشکلات زندگی، باید مرگ و میر اطفال خود را نیز تحمل کنند چرا که هر روزه بیش از چهل هزار نفر در سنین کمتر از ۵ سالگی می‌میرند. با توجه به آمار به دست آمده در کشورهای فقیر، احتمال مرگ و میر زنان در بارداری، سقط جنین یا وضع حمل حدود ۲۰۰ مرتبه بیشتر از زنان کشورهای ثروتمند است. سالیانه حدود نیم میلیون نفر از خانم‌ها، به خاطر ضعف و نارسائی‌های مربوط به تولید مثل، جان می‌دهند. همچنین در برابر یک زن که می‌میرد، حدود ۱۰-۱۵ نفر معلول می‌شوند و در بین یک چهارم کشورهای بررسی شده، یک دهم زنان بین ۱۵-۴۵ ساله، سالیانه فوت می‌کنند. در صورتی که در کشورهای صنعتی تنها یک درصد زنان طی سال‌های بارداری خود می‌میرند زیرا سقط سالم و قانونی دارند. همچنین به نکات مربوط به بهداشت در بارداری، توجه می‌کنند. دانش تنظیم خانواده به زنان کمک می‌کند تا موقعیت خود را باز یابند. در کشورهای رو به توسعه و در مناطق مختلف جهان، از جمله: آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، توسعه تکنولوژی موجب شده است که میزان مرگ و میر اطفال و مادران در حین زایمان به طور چشمگیری کاهش یابد و از رشد منفی

همان‌طور که می‌دانید، سرمایه‌گذاری بر روی توانایی‌های زنان به برنامه‌ی نسل‌های آینده کمک می‌کند که چگونه از منابع و فرصت‌های خود به بهترین شکل ممکن استفاده کنند. زیرا این کار، قدم مهمی در راستای رسیدن به اهداف است.

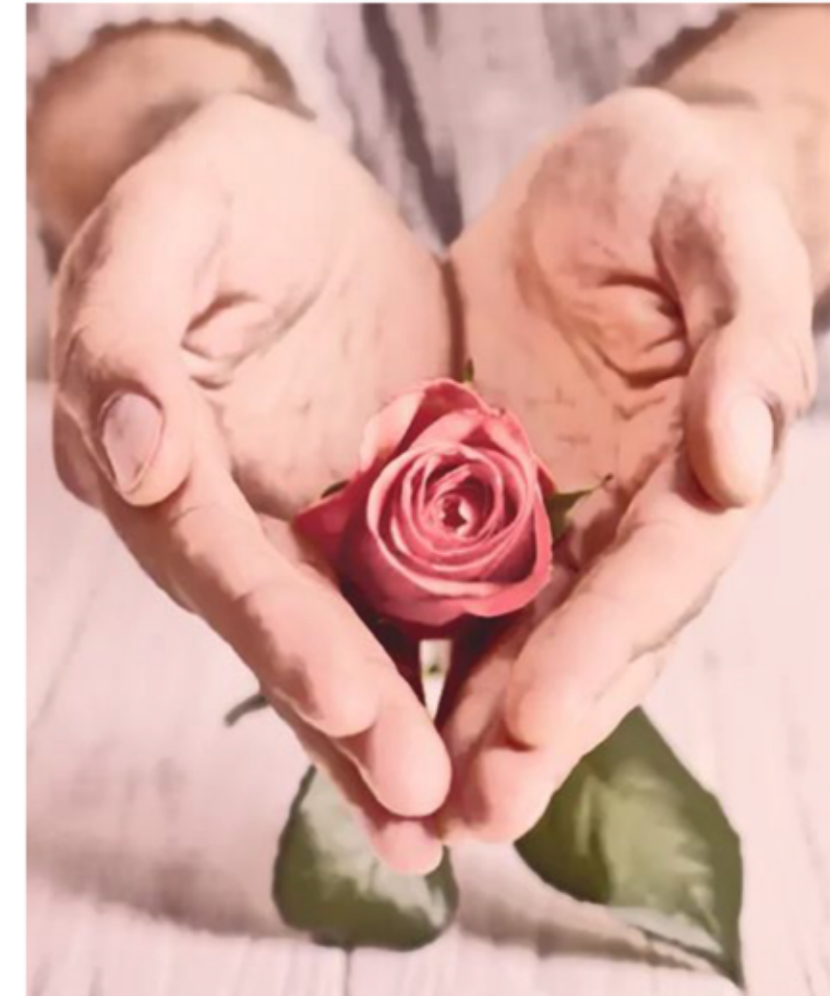
با توجه به تحقیقات به عمل آمده در جوامع رو به رشد و درحال توسعه، مشخص شده است که اولویت بیشتری برای زنان قائل شده‌اند؛ از زمینه بهداشت و تنظیم خانواده گرفته تا آموزش و پرورش و اشتغال آنان. و عمدتاً منشاء اصلی همه نابسامانی‌ها، ناهنجاری‌ها و عقب‌ماندگی‌های زنان در جوامع جهان سوم، همین بی‌سوادی می‌باشد که موجب عدم هرگونه توسعه و ترقی آنان شده است. در کشورهای دانمارک، ژاپن و سوئد تنها یک درصد زنان قبل از ۲۰ سالگی ازدواج می‌کنند و یا بعد از اتمام دوران دبیرستان تشکیل خانواده می‌دهند. اما در کشورهایی مانند بنگلادش، بیش از دوسوم دختران ۱۹ ساله وحتى در سنین پایین‌تر، ازدواج کرده و خیلی زود بچه‌دار می‌شوند و حتی در کشورهای جهان سوم، از جمله کشورهای منطقه خاورمیانه دختران در آستانه بلوغ با مردان بسیار مسن ازدواج می‌نمایند که موجب روبه رو شدن با شرایط نامطلوب اجتماعی، بهداشتی، اقتصادی و فرهنگی می‌شوند.

تحقیقاتی که اخیراً توسط یک مؤسسه پژوهش‌های جمعیتی، بین کشورهای جهان سوم به عمل آمده است نشان می‌دهد که زنان نوجوان مجبورند بدترین شرایط اجتماعی، بهداشتی و رفاهی را تحمل کنند و به لحاظ محرومیت‌های ناشی از فقر، تبعیض، بی‌فرهنگی و

سرویس فیزیولوژی



جمعیت جلوگیری کند که این امر موجب پیشرفت‌های اقتصادی-اجتماعی جامعه شده است.



در کشورهای جهان سوم به خاطر فقر و درآمد کم و متداول بودن سطوح پیشگیری در سنین باروری در آنان، بین ۱۰ الی ۳۰ درصد گزارش شده است و تعداد فرزندان اغلب بیشتر از آنچه می‌خواهند، است. دلیل آن نیز عدم دسترسی به خدمات مربوط به تنظیم خانواده می‌باشد. در کشور چین، زنان بیش از دیگر کشورها از وسایل پیشگیری استفاده می‌کنند. یعنی حدود ۷۱ درصد زوجین چینی!

البته دولت در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و مسائل فرهنگی می‌تواند با پافشاری، تبلیغ و کنترل شدید بر رفتارهای باروری اتباع خود اثر

بگذارد و این دولت است که می‌تواند مردم خود را وادار به کاهش و افزایش فرزندان کند.

علت مهم بودن دانش تنظیم خانواده این است که؛ می‌تواند جان میلیون‌ها نفر را نجات دهد. مشاهده شده است کودکانی که در خانواده‌های پرجمعیت و با فاصله سنی کم با یکدیگر متولد می‌شوند، بیشتر در معرض بیماری قرار گرفته و کمتر رشد پیدا می‌کنند و از نظر سطوح تحصیلی زیاد پیشرفت نمی‌نمایند و از نظر تربیتی نیز دچار مشکلات فراوان می‌شوند که در جامعه مضر خواهد بود. بنابراین وجود سواد، موجب می‌شود تا زنان به استفاده از وسایل پیشگیری و تنظیم خانواده توجه و به‌رمندی صحیح‌تری داشته باشند.

بیش از ۶۰ درصد زنان و دختران جهان تحت شرایطی زندگی می‌کنند که سلامت آنها در خطر است. زیرا علاوه بر شغل خود، باید به امور فرزندان و خانه رسیدگی کنند. متأسفانه برای این افراد، فرصت تحصیلی محدود می‌شود و ضمانتی از نقطه‌نظر آزادی و تساوی حقوق بین آنها و مردان وجود ندارد. با این وجود بانوان در چندین مورد می‌توانند به سلامت و تندرستی خودشان کمک کنند. اول اینکه از بارداری‌های مکرر جلوگیری کنند! با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و از همه مهمتر، بیش از مردان عمر می‌کنند، پس باید در بالا بردن وضع بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی خود اقدام کنند و سطح سواد خود را افزایش دهند. همچنین خود را با مسائل بهداشتی آشنا نمایند و در سلامت هرچه بیشتر خود کوشا باشند؛ با مشارکت در امور مختلف و با استفاده از نقش دوگانه آنان در خانه و خارج از خانه، جامعه را از نظر توسعه بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... بهره‌مند کنند. بطور قطع استفاده از توانایی زنان و دختران در کشورهای جهان سوم، می‌تواند یکی از اصلی‌ترین اقدامات در جهت پیشرفت جامعه و در نتیجه بهبود اوضاع ایشان در زمینه‌های مختلف باشد.



حرکت در جهت احقاق حقوق زنان

حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جوامع اسلامی و در جامعه‌ی ما حتماً باید انجام گیرد؛ منتها بر مبنای اسلامی و با هدف اسلامی. زن در همه‌ی جوامع - از جمله در جامعه‌ی ما - گرفتار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل می‌شود؛ اما این کمبود، کمبود آزادی به معنای بی‌بندوباری نیست؛ این کمبود، کمبود میدانها و فرصتها برای علم و معرفت و تربیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست.

رهبر انقلاب ۱۳۷۶ / ۷ / ۳۰

